

## بیشگفتار:

یکی از دردهای کنونی جامعه ما که تاهنوز بی درمان مانده است و میراثی از احزاب چپی کشور ما می باشد، "فردگرایی" است.

فردگرایی که ذاتاً، اهداف را در اشخاص خلاصه می سازد، در جامعه ما شکل افراطی را گرفته که نه در اندیشه ها و نه در راهکرد های فرد خلاصه می ماند بلکه نوع علویت و تقدسگرایی را نیز به خود می گیرد.

فردگرایی یکی از ابزار افراد متملق و چاپلوس بوده که در طول حیات سیاسی کشور توانسته اند در بین رژیم ها و حتی احزاب، نقش کلیدی را برای خویش رقم زنند و با تغییر رژیم ها، بوقلمون وار به حیات پُر منفعت شان ادامه دهند. از اینکه جهل دامنگیر جامعه ما بوده، متملقین و چاپلوسان توانسته اند، افراد جاهل را نیز باخود همراه سازند و از طریق فتوای های تند و زننده بر مصلحین بتازند.

در دومقاله قبلی "سخن چند با نیروی مقاومت" وعده بر آن گذاشته شد تا راهکرد های عملی رفع بحران را به بحث بکشانیم. خواستم قبل از آن، بحثی روی جایگاه ذهنی چنین افراد داشته باشم:

بیایم چند لحظه ی فراموش کنیم که چه القاب ی بر پیشوند و یا پسوند اسامی ما شکل یافته و یا در چه سطح درجات علمی و یا مادی در جامعه مطرح هستیم.

آغاز را از خویش نموده و باخود تعهد بسپاریم که حداقل با خود دروغ نگویم. زیرا کذب و دورنگی، آغازش از خود ما بوده که بعداً در خانواده و اجتماع اثر میگذارد. پس اگر ضمیر و وجدان به ما هشدار دهد، سعی در پاک و زنده نگهداشتن آن نمایم و به ندای درونی خویش لبیک گویم. زیرا ضمیر و سرشت ما و هرآنچه در جهان هستی خلق گردیده، نیکو آفریده شده است و امانتی ست که باید دوباره به خالق اش به پاکیزگی برگردانیده شود.

الله در سوره السجده میفرماید {7:32}: **الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ ۗ أَنْ كَرِهَ رَأْفِدٌ بِحَبْلٍ يُنْزِلُ بِهِ السَّيْلَ الْفُؤَادِيَّ يَكُونُ نُجُومًا ۗ لِيُحْيِيَ الْبَلَدَ الْمَيِّتَ وَيُخْرِجَ الْحَبْلَ الْمَخْمُومَ ۗ** "آن که هر چه را آفرید به نیکوترین وجه آفرید"

پس نفوذ هر بدی یا بی نظمی در خلقت، در اصل از نحوه کاربرد نادرست ما بوده ورنه تعلیمات آسمانی از برای وفق دادن اراده آزاد بشری با نظم جهان هستی و هماهنگ کردن آن نازل یافته است.

پس اگر عزت می طلبیم، همه در نزد الله است که آغاز اش با گفتن کلمات نیکوست که بسوی پروردگار رجعت میابد و این رجعت زمانی به سوی الله تحقق می پذیرد که گفتار در عمل تجلی یابد.

الله در سوره فاطر میفرماید {10:35}: **مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا ۗ إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ ۗ** "هر که خواهان عزت است بداند که عزت، همگی از آن الله است. سخن خوش و پاک به سوی او بالا می رود و کردار نیک است که آن را بالا می برد..."

پس کذب و دروغ، ظلمی ست که اولین قربانی اش خودی ما خواهیم بود!

ارزش آنچه که بر آن افتخار میورزیم بعد از "از دست دادن" آن در جریان همین حیات بر ضمیر ما واضح و نمایان میگردد که ما میتوانیم قبل از وقوع واقعه آنرا با خود آزمایش نمایم!

- اگر داکتریم و بشری را مداوا نکرده ایم آیا در ماسوا این لقب، همان عزت قبلی را خواهیم داشت؟
- اگر نویسنده یم و از برای روشننگری جامعه از خود اثری نیک بجا نمانده یم آیا در ماسوا این لقب همان عزت قبلی را خواهیم داشت؟
- اگر جنرال یم و از برای آزادی کشور و شرف و عزت مردم از خود یادگاری نیک بجا نگذاشته یم آیا در ماسوا این لقب، همان عزت قبلی را خواهیم یافت؟ و...

این "خود آزمایی" را، الله در رابطه به وحی در سوره فصلت بیان میدارد که ای انسان، قبل از آنکه مرگ به سراغ ات بیاید، یکبار خود را در آزمایش قرار ده و چنان تصور بدار که اگر وحی الهی واقعیت داشته باشد پس حال منکران، چه خواهد شد؟

الله میفرماید {52:41}: **قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ نَمٌّ كَفَرْتُمْ بِهِ مِنْ آضَلِّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ﴿٥٢﴾** بگو: چه می بینید؟ اگر این کتاب از جانب الله است و شما بدان ایمان نمی آورید، گمراه تر از کسی که همچنان راه مخالفت در پیش گرفته است کیست؟

پس بیایم، اولتر از همه با خود "رو راست" و صادق بمانیم و با این مقوله یکبار خود را در آزمایش قرار دهیم که ذهن ما در چه سطح قرار دارد؟

**ذهن زیبا:** در افکار و اندیشه ها مصروف می باشد؛  
**ذهن متوسط:** در رویدادها مصروف می باشد؛

ذهن کوچک: در مورد افراد مصروف می باشد.

آیا اگر گویم که ذهن بیشتر از افراد جامعه ما در محور افراد اسیر مانده اند، حقیقت تلخ نخواهد بود؟

حال اگر ازین حقیقت تلخ فرار نمایم و حرف های خویش را به گونه های مختلف توجیه بدارم، آیا با ضمیر خویش خیانت نکرده ایم؟

اگر چنین باشد، قیل از نجات مردم و جامعه، باید در فکر نجات خویش باشیم و بدانیم که تاهنوز ایمان ما بر گواهی اعضای بدن {65:36} و {25-20:41} در برابر اعمال، در بی باوری بسر می برد، که از چنین حالت، به پروردگار عالمیان پناه میبریم.